

بررسی راهبرد انرژی ترکیه در مناطق خزر و خاورمیانه

رضا حسینی¹

حمیدرضا شیرزاد²

چکیده

مصرف انرژی ترکیه در سالیان اخیر همراه با رشد اقتصادی این کشور، افزایش داشته است. این مسئله در کنار منابع ناکافی سوخت های فسیلی، از مولفه های تاثیرگذار در روابط خارجی ترکیه با مهمترین کشورهای تامین کننده انرژی آن کشور به شمار می آید. این پژوهش در صدد است ضمن بررسی استراتژی انرژی ترکیه در مورد جمهوری آذربایجان و عراق، به ارزیابی موفقیت یا ناکامی این استراتژی بپردازد. سؤال اصلی این است که استراتژی انرژی ترکیه در خصوص کشورهای جمهوری آذربایجان و عراق بر اساس چه مولفه هایی شکل گرفته و چگونه ارزیابی می گردد؟ در پاسخ؛ فرضیه ای که مطرح می گردد آن است که استراتژی انرژی ترکیه بر اساس تنوع بخشی به کشورهای تامین کننده انرژی و کاهش اتکا به کشورهای محدود در تامین انرژی مورد نیاز آن کشور شکل گرفته و بر این اساس، ترکیه توجه ویژه ای به مناطق خزر و خاورمیانه داشته است که در این بین کشورهای جمهوری آذربایجان و عراق در زمره دو کشور مهم در تامین انرژی ترکیه جای گرفته اند. یافته های این پژوهش که بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، بیانگر گسترش روابط ترکیه با کشورهای جمهوری آذربایجان و عراق بر مبنای حجم مبادلات نفتی و گازی، تنوع خطوط انرژی با محوریت ترکیه می باشد که این امر، نشان دهنده موفقیت استراتژی انرژی ترکیه است.

واژگان کلیدی:

ترکیه، انرژی، جمهوری آذربایجان، عراق و نهادگرایی نئولیبرال.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: 1401/10/15

تاریخ دریافت مقاله: 1401/09/15

1. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران،

ایران @yahoocom.3899Rezahasani

2. استاد دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران Ham.shirzad@iauctb.ac.ir

مقدمه

ترکیه به عنوان کشوری فاقد منابع کافی انرژی (نفت و گاز) جهت تامین مصارف داخلی و همچنین صادرات در این حوزه شناخته می شود. این کشور سه چهارم انرژی مصرفی خود به ارزش سالانه بیش از 40 میلیارد دلار از محل واردات تامین می کند که شامل زغال سنگ، نفت و گاز می شود. وابستگی این کشور به منابع انرژی وارداتی از 55 درصد در سالهای دهه 1990 به 76 درصد در سالهای اخیر رسیده است (Rzayeva, 2018: 2). این در حالی است که ترکیه در سالیان اخیر و با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه (2002) از افزایش رشد اقتصادی مناسبی برخوردار بوده است و با رشد اقتصادی آن کشور و با توجه به اینکه میزان تولید داخلی انرژی پاسخگوی نیازهای مصرفی نبوده است، عملاً با افزایش رشد اقتصادی شاهد افزایش مصرف انرژی و در نتیجه افزایش واردات حامل های سوخت توسط ترکیه بوده ایم. لذا دستیابی به منابع کافی و مطمئن در این زمینه بیش از پیش برای دولتمردان این کشور هم از بعد مصرف آن در داخل و همچنین ترانزیت منطقه ای انرژی از اهمیت برخوردار بوده است. به همین جهت وزارت انرژی و منابع طبیعی ترکیه برنامه ای با عنوان «طرح استراتژیک انرژی»¹ تهیه کرده است. این استراتژی شامل امنیت عرضه، نقش مهم منطقه ای و جهانی ترکیه در زمینه انرژی، محیط زیست، منابع طبیعی و توسعه همکاری ها است.

یکی از موضوعات مهم در این استراتژی برای مقامات ترکیه، موضوع امنیت انرژی بوده است. بر همین اساس یکی از تهدیدات و مشکلات در این حوزه نیز در دهه های اخیر وابستگی ترکیه به منابع سوخت های فسیلی تعداد محدودی از کشورها بوده است که به نوعی تضمین امنیت انرژی آن را با چالش روبرو ساخته است. به عنوان مثال؛ ترکیه در سالیان اخیر همواره بخش عمده نفت و گاز خود را از روسیه و ایران تامین می کرده است، به نحوی که در سال 2011 میزان 58 درصد از گاز این کشور یعنی بیش از نیمی از واردات گاز ترکیه از روسیه و 19 درصد را از ایران وارد کرده است. به عبارتی می توان گفت 77 درصد از نیاز ترکیه صرفاً از طریق واردات گاز طبیعی از دو کشور روسیه و ایران برطرف شده است (www.researchgate.net). در خصوص تامین نفت خام نیز این کشور در سال 2011 به میزان 51 درصد از نفت خود را از ایران وارد کرده است. این موضوع حاکی از آن است که بیش از نیمی از نیاز ترکیه به نفت خام در سال 2011 صرفاً از کشور ایران تامین شده است

(www.tr.pinterest.com). این آمارها نشان از وابستگی بسیار بالای ترکیه به کشورهای محدود در تامین انرژی داشته و در صورتی که کشورهای مذکور بنا به عللی از صادرات نفت و گاز به ترکیه خودداری می‌نمودند، این کشور با بحران انرژی روبرو می‌گردید که این مساله تهدید جدی در تضمین امنیت انرژی ترکیه به شمار می‌رود.

مجموع چنین شرایطی ایجاب نمود که دولتمردان حاکم بر ترکیه در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه موضوع تنوع بخشی به کشورهای تامین کننده انرژی را در دستور کار خود قرار دهند. این موضوع به معنای افزایش کشورهای تامین کننده نفت و گاز از یک سو و کاهش وابستگی به انحصار کشورهای محدودی در تامین نفت و گاز آن کشور می‌باشد. از سوی دیگر از آنجائی که اغلب کشورهای همسایه ترکیه نیز از ذخایر و منابع فراوان گاز و نفت خام برخوردار هستند، لذا این مسئله در نگاه ترکیه به مثابه نقطه محوری جهت عملیاتی کردن استراتژی تضمین امنیت انرژی با هدف تنوع بخشی به مبادی تامین انرژی ارزیابی شده است. در این بین، جمهوری آذربایجان و عراق به عنوان دو کشور غنی و نسبتاً بکر در حوزه انرژی، توجه مقامات آنکارا را به خود جلب نموده اند تا دولتمردان ترکیه از این طریق راهبرد تنوع بخشی به منابع انرژی (نفت و گاز) کشور متبوع خود را عملیاتی نمایند.

بر همین اساس آثار و نتایج اتخاذ چنین راهبردی در حوزه روابط و سیاست خارجی این کشور در مواجهه با مناطق حوزه خزر و خاورمیانه در سالیان اخیر، مورد توجه و قابل بحث است. لذا ترکیه در این دوره، در حوزه تحولات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی این مناطق نقش فعال تری را برای خود تعریف کرده که با نقش پیشین‌اش کاملاً متفاوت است.

با توجه به موارد فوق، در این پژوهش تلاش می‌شود ضمن بررسی استراتژی انرژی ترکیه در ارتباط با جمهوری آذربایجان و عراق، ارزیابی درستی از موفقیت یا ناکامی این استراتژی طی دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه ارائه نماییم. سؤال اصلی این پژوهش بدین شکل طرح شده است که استراتژی انرژی ترکیه در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه در خصوص جمهوری آذربایجان و عراق بر چه اصول و مولفه‌هایی استوار بوده و موفقیت یا ناکامی آن چگونه ارزیابی می‌شود؟ فرضیه پژوهش نیز بر این مبنا قرا دارد که استراتژی انرژی ترکیه در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه بر گسترش روابط با مناطق حوزه خزر و خاورمیانه به خصوص جمهوری آذربایجان و عراق و با محوریت تنوع بخشی به کشورهای تامین کننده انرژی ترکیه مبتنی بوده و در این زمینه موفقیت‌هایی را کسب نموده است.

در این بخش به مهمترین مطالعات انجام شده و قابل دسترس که مرتبط با موضوع پژوهش حاضر بوده و مورد بررسی قرار گرفته است، به شرح ذیل اشاره می گردد:

در مقاله «منافع انرژی ترکیه و اتحادیه اروپا در مناطق خزر و خاورمیانه» (Ala'Aldeen, 2018: Dlawer and et al.)، به بررسی مقایسه ای راهبرد انرژی ترکیه و اتحادیه اروپا در مناطق خزر و خاورمیانه و همچنین ارزیابی تاثیرات مولفه انرژی بر همکاری و رقابت میان ترکیه و اتحادیه پرداخته شد. نویسندگان در انتها چنین نتیجه گیری کرده اند که موضوع انرژی، بستری مناسبی برای همکاری میان ترکیه و کشورهای اتحادیه اروپا با یکدیگر و همچنین همکاری ترکیه با کشورهای مناطق خزر و خاورمیانه را فراهم ساخته است.

در مقاله «ترکیه و شمال عراق: از منظر سیاست های انرژی» (Akyener, Oğuzhan and Kayael, Burak: 2016)، نویسندگان ضمن بررسی ذخایر منابع غنی انرژی به ویژه نفت منطقه کردستان عراق، به اهمیت استراتژیک این منابع در مناسبات سیاسی - اقتصادی منطقه کردستان در بعد سیاست داخلی و روابط خارجی پرداخته اند. آنان همچنین با ارزیابی استراتژی انرژی ترکیه، پتانسیل و ظرفیت بالای منابع انرژی کردستان عراق در تامین اهداف و برنامه های مدنظر در استراتژی انرژی ترکیه را مورد بررسی قرار داده و در نهایت دورنمای روابط ترکیه با اقلیم کردستان عراق را متأثر از تحولات منشعب از تعاملات اقتصادی و انرژی بین آنها قلمداد کرده اند.

مقاله «ژئوپلیتیک سیاست انرژی ترکیه» (Huseynov, Yusif: 2017)، با اشاره به روند رشد اقتصادی ترکیه در سالیان اخیر، تضمین تامین انرژی به منظور تداوم رشد اقتصادی ترکیه را به عنوان یکی از دغدغه های اصلی دولتمردان ترکیه در این سال ها بر شمرده است. بر مبنای ارزیابی نگارنده مقاله، توسعه و ارتقاء همکاری های ترکیه با کشورهای که دارای ذخایر بالای انرژی می باشند، به یکی از اهداف و اولویت های ترکیه در سیاست خارجی این کشور تبدیل شده و دولتمردان ترکیه تلاش نموده اند تا از موقعیت ژئوپلیتیک این کشور به ویژه همجواری با مناطقی همچون خاورمیانه و خزر در دستیابی به این اهداف بهره برداری لازم را به عمل آورند.

از دیدگاه نویسندگان مقاله «روابط انرژی ترکیه و آذربایجان: تحلیل اقتصادی - سیاسی» (Yesevi, Cagla Gul and Tiftikcigil, Burcu Yavuz: 2015)، انرژی از جایگاه ویژه ای در مناسبات آنکارا - باکو برخوردار است. آنان همچنین با بررسی مقایسه ای روابط اقتصادی ترکیه و آذربایجان در سالیان اخیر و به ویژه پروژه های مشترک دو طرف در حوزه نفت و گاز، نتیجه گیری کرده اند که موضوع انرژی به عنوان یک مولفه مهم در روابط ترکیه و

آذربایجان می تواند منافع مشترک اقتصادی دو کشور را تامین نموده و زمینه توسعه روابط اقتصادی - تجاری ترکیه و آذربایجان را به دنبال داشته باشد.

در مقاله «تغییرات عرضه گاز در ترکیه» (Rzayeva, Gulmira: 2018)، نویسنده ضمن بررسی راهبرد انرژی ترکیه در تضمین امنیت انرژی، به تلاشهای به عمل آمده از سوی دولتمردان این کشور در کاهش وابستگی به کشورهای محدود در تامین انرژی و افزایش تعداد کشورهای تامین کننده انرژی ترکیه پرداخته است. نویسنده بر مبنای آمار ارائه شده، بیان داشته که ترکیه در سالیان اخیر به دنبال ارتقاء مناسبات خود با کشورهای دارای منابع غنی انرژی بوده است تا از این طریق امنیت انرژی خود را ارتقاء بخشد.

با توجه به موارد فوق، می توان گفت اغلب مطالعات و پژوهش های انجام شده در این حوزه، عمدتاً به جنبه خاصی از موضوع به ویژه از منظر مطالعه خطوط انتقال انرژی و مباحث ژئوپلیتیکی و تاثیر آن خطوط بر تحولات منطقه توجه داشته اند، درحالی که پژوهش حاضر سعی داشته تا ماهیت استراتژی انرژی ترکیه با رویکرد تمرکز بر مناطق خزر و خاورمیانه را مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهد.

از سوی دیگر این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و مدارک و اسناد اینترنتی به دنبال آن است تا مشخصاً استراتژی انرژی ترکیه در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه بر میزان گسترش روابط آن کشور با مناطق حوزه خزر و خاورمیانه (جمهوری آذربایجان و عراق) در راستای تنوع بخشی به تامین کنندگان انرژی ترکیه، مورد بررسی و ارزیابی موشکافانه قرار دهد.

چارچوب نظری: نهادگرایی نولیبرال نظریه ای است که با نام «رابت کوهن»¹ شناخته می شود. این رویکرد در دهه 1970، در پی ضعف رهیافت های کارکردگرایی و نوکارکردگرایی و همگرایی ظهور یافت و نظریه ای نظام مند از نوع تصویر سوم است که منبع و مرجع رفتار و سیاست خارجی کشورها را نظام بین الملل و ویژگی های آن می داند و در چارچوب پارادایم لیبرالیسم ارائه شده است. این نظریه از نظریه های لیبرالی چون نوکارکردگرایی، فراملی گرایی، وابستگی متقابل و به ویژه نظریه رژیم های بین المللی تاثیر پذیرفته است.

نهادگرایان نولیبرال نخست، نقش مهمی را که کشورها در روابط بین الملل ایفا می کنند، به رسمیت می شناسد و به تبع آن منافع ملی و قدرت آنها را مورد توجه جدی قرار می دهد. دوم،

انگیزه‌های قوی و قاطعی را که برای همکاری از راه وابستگی متقابل در سطح بین‌المللی ایجاد می‌شود مدنظر قرار می‌دهد. سوم بر شیوه‌هایی که نهادهای بین‌المللی به ادراک منافع ملی و ارجحیت‌های کشورهای، از طریق تأثیرگذاری به محاسبات هزینه - فایده حاصل از اقدامات و کنش‌های مختلف شکل می‌دهند، تاکید می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، 1392: 41).

باور پایه‌ای نهادگرایی نولیبرال این است که دولت‌ها کنشگرانی ذره‌ای هستند که می‌کشند دستاوردهای مطلق منفرد خود را به حداکثر برسانند و نسبت به دستاوردهای دیگران بی تفاوت هستند. کوهن در تحلیل خود از همکاری بین‌المللی، فرض را بر این می‌گذارد که دولت‌ها بازیگرانی خودپرست و خودمحورند اما در عین حال در شرایط آنارشیک، بازیگرانی عقلانی می‌باشند. عقلانی به معنی داشتن ترجیحات منظم درازمدت و محاسبه سود و زیان در رفتارهایشان برای حداکثر سازی منافع است. به گفته کوهن این خودپرستی نشان می‌دهد که دولت‌ها سود و زیان خود را براساس سود و زیان دیگران محاسبه نمی‌کنند و یا به خاطر دیگران سود و زیان نمی‌بینند (Keohane, 1984: 27). بنابراین دولت‌ها براساس عقلانیت و منافع خود در می‌یابند که باید به همکاری روی آورند و سود خود را از طریق آن افزایش دهند.

رویکرد نهادگرایی نولیبرال با تمرکز بر اصل وابستگی متقابل پیچیده، نهادهای بین‌المللی را مهم‌ترین ابزار برای شکل‌گیری همکاری میان کشورها می‌داند و ادعا می‌کند که این نهادها مشکلات کشورها را از طریق تعاملات همکاری جویانه و چندجانبه‌گرایانه مبتنی بر منافع مشترک میان آنها برطرف می‌سازد. آنها اذعان می‌نمایند که نهادها و رژیم‌های بین‌المللی از طریق قواعد، اصول و فرایندهای تصمیم‌گیری بر سیاست‌ها و رفتارهای کشورهای تاثیر می‌گذارند؛ اما اظهار می‌دارند که این رفتارهای هنجاری کاملاً با تعقیب منافع ملی سازگارند (Haggard and Simmons, 1987: 492). همچنین بر اساس نظریات رابرت کوهن قدرت و وابستگی متقابل از هم مستقل نیستند و وابستگی متقابل نامتقارن نوعی از قدرت می‌باشد (مشیرزاده، 1389: 66).

از سوی دیگر کوهن و نای معتقدند اکنون وابستگی متقابل به ویژه وابستگی متقابل اقتصادی جنبه مهمی در سیاست‌های جهان بوده و جهانی شدن نشان دهنده افزایش ارتباطات و پیوندهاست و این وابستگی متقابل بین دولت‌ها بر الگوهای رفتاری مثبت تاثیر می‌گذارد و دولت‌ها را وادار به همکاری می‌کند (Keohane and Nye, 2001). نهادگرایی نولیبرال بر این باورند که دولت‌ها بر اساس منافع خویش عمل می‌کنند، اما دیدگاه

خوشبینانه‌ای نسبت به همکاری دارند. کوهن تصدیق می‌کند که همکاری، کار ساده‌ای نیست و می‌تواند منجر به تنش شود، اما دولت‌ها می‌توانند از مزایای همکاری بهره‌مند شوند (Keohane, 1984:161).

رابرت کوهن در دهه 1980 برای نخستین بار موضوع انرژی را در چارچوب نظریه نهادگرایی نئولیبرال وارد مطالعات روابط بین‌الملل کرد. بر این اساس کوهن قائل بر این است که موضوع منابع انرژی (نفت خام، گاز طبیعی و...) در بستر نظم و چارچوبی که بر مناسبات لیبرالی همچون وابستگی متقابل و منافع مشترک تاکید دارد می‌تواند مورد توجه قرار گرفته و زمینه ایجاد همکاری بین کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده را فراهم سازد. به عبارتی منابع انرژی در صورت بهره‌گیری مناسب، از پتانسیل مناسبی برای ایجاد همکاری و ایجاد سود و منافع مشترک برخوردار است (Keohane and Victor, 2013:99).

در خصوص سود مطلق و سود نسبی باید گفت نولیبیرال‌ها توجه‌شان را بیشتر بر این موضوع متمرکز می‌کنند که چگونه به‌طور کلی، یک دولت به سود دست می‌یابد. نهادگرایی درباره این موضوع که دولت چگونه و در مقایسه با دولت‌های دیگر به سود دست خواهد یافت بر این باور است که سیاستگذاران، سود مطلق و منافع بلندمدت را در نظر می‌گیرند. از دیدگاه نهادگرایان، تمرکز بر دستاوردهای نسبی گمراه‌کننده است، زیرا وابستگی متقابل اقتصادی به کسی تضمین نمی‌دهد که هیچ‌کدام از طرفین بتوانند به‌طور موثری از رابطه اقتصادی بهره‌برداری کنند و به لحاظ سیاسی بر دیگری برتری جویند (Whyte, 2012).

با توجه به عقلانی بودن دولت‌ها، که به دنبال کسب سود و فایده بدون توجه به میزان دستاورد دیگران هستند، استفاده از نهادها افزایش یافته و دولت‌ها با افزایش همکاری و تداوم آن، به سمت رژیم‌ها و نهادها رو می‌آورند. این امر به آن دلیل است که رژیم‌ها و نهادها می‌توانند رفتار و اعمال بازیگران را مدیریت و کنترل نمایند و حتی امکان پیش‌بینی رفتارها را نیز فراهم سازند.

بطور کلی می‌توان چنین بیان کرد که بر مبنای نظریه نهادگرایی نولیبیرال، در موضوع همکاری مسئله مهم این نیست که دیگران چه مقدار سود به دست می‌آورند، بلکه آنچه اهمیت دارد دستاورد و سودی است که خود از این همکاری به دست می‌آوریم. لذا دولت‌ها به سمت همکاری گرایش یافته و تلاش می‌کنند موانع موجود در این امر را کاهش و تبادلات را افزایش دهند.

با توجه به اصول و مفروضات نظریه نهادگرایی نولیبیرال که بطور مختصر ذکر گردید، می‌توان گفت ترکیه به عنوان یک بازیگر عقلانی به دنبال آن است که با استفاده از نهادها و ائتلاف‌های موجود در حوزه‌های گوناگون سهم خود را از قدرت جهانی و منطقه‌ای افزایش دهد. ترکیه برای آنکه بتواند با کسب قدرت بیشتر در عرصه منطقه‌ای و جهانی خود را به بازیگری فعال و تاثیرگذار مبدل سازد، نیازمند ارتقاء همکاری و ایجاد وابستگی با دیگر کشورها از طریق حضور در بازار انرژی مناطق پیرامونی خود و از جمله کشورهای حوزه خزر و خاورمیانه می‌باشد تا با تنوع بخشی به کشورهای تامین کننده منابع انرژی (نفت و گاز) بر تهدیدات مربوط به وابستگی به تعداد محدودی از کشورها در تامین انرژی خود فائق آمده و همچنین نیاز داخلی خود به انرژی را به نوعی تضمین نماید.

استراتژی انرژی ترکیه

تا اوائل دهه 1990 و تا پیش از انعقاد قرارداد خرید گاز از ایران، ترکیه نیاز خود به منابع گاز را تنها از طریق روسیه تامین می‌کرد. در خلال سال‌های ابتدایی این دهه، دولت ترکیه در پی این بود تا از یک سو کشور را از وابستگی به منابع انرژی خارجی رها و به نوعی امنیت انرژی خود را تامین نماید و از سوی دیگر به هدف اصلی‌اش که تبدیل شدن به کریدور انرژی دنیا است، نائل شود. این سیاست با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه تقویت گردید.

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سپهر سیاسی ترکیه، اقتصاد این کشور شاهد پیشرفت قابل ملاحظه‌ای بوده و موفق گردیده که رتبه شانزدهم اقتصادی را در میان کشورهای جهان کسب نماید. این در حالی است که دولتمردان ترکیه در نظر دارند که جایگاه آن کشور را تا سال 2023 (یکصدمین سالگرد تاسیس جمهوریت در ترکیه) در میان ده اقتصاد برتر جهان جای دهند. (Huseynov, 2017:337). بدیهی است کسب چنین موفقیتی در حوزه اقتصادی مستلزم افزایش مصرف انرژی در این کشور است.

چنانچه طی دهه گذشته ترکیه در موضوع افزایش تقاضای مصرف گاز طبیعی و الکتریسیته بعد از چین در رتبه دوم قرار داشته است (Erşen and Çelikpala, 2019:585). برای مثال، مصرف نفت و فرآورده‌های نفتی ترکیه از سال 2009 تا سال 2019 از 709 هزار بشکه در روز به بیش از یک میلیون بشکه در روز رسیده است و در مقایسه آماری بین سال 2018 و 2019 نیز رشد 1.8 درصدی در مصرف این منابع انرژی مشاهده می‌شود (BP, 2020: 20). همچنین مصرف گاز ترکیه در سال 2009 به میزان 33/7 میلیارد مترمکعب بوده که این رقم در سال 2019 به

43/2 میلیارد مترمکعب افزایش یافته است (www.statista.com). این حجم از مصرف انرژی موجب گردیده که بخش زیادی از بودجه ترکیه صرف تهیه و واردات نفت و گاز گردد چنانچه این کشور در سال 2019 با واردات 260 میلیون بشکه نفت و 45 میلیارد متر مکعب گاز طبیعی، در مجموع به میزان 40 میلیارد دلار از بودجه سالیانه را به این بخش اختصاص داده است. لازم به ذکر است که ترکیه مسیر ترانزیتی مهمی برای انتقال گاز تولیدی مناطق پیرامونی از جمله خاورمیانه و خزر نیز به شمار می‌رود (www.trade.gov). این آمارها گواه آن است که میزان بالای مصرف انرژی باعث شده تا ترکیه توجه خاصی بر مقوله امنیت انرژی به معنای «عرضه مداوم و مطمئن انرژی با قیمت‌های معقول» داشته باشد.

یکی از تهدیدات پیش رو ترکیه در زمینه تضمین امنیت انرژی در سالیان اخیر، وابستگی زیاد این کشور به واردات نفت و گاز از تعداد محدودی از کشورها بود که تهدید جدی بر امنیت انرژی ترکیه به شمار آمده و توان بازیگری و مانور این کشور در حوزه انرژی را به شدت کاهش داده بود. به عنوان مثال ترکیه در سال 2014 در مجموع به میزان 49/2 میلیارد متر مکعب گاز طبیعی وارد کرده است که از این میزان 26/9 میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از روسیه بوده است که به عبارتی 54/8 درصد از گاز طبیعی ترکیه از روسیه تامین می‌گردید. (Emre and Tunçalp, 2015:69) همچنین بر اساس آمار وزارت انرژی و منابع طبیعی ترکیه در سال 2011 به میزان 51 درصد از نفت این کشور از ایران تامین می‌گردید (www.tr.pinterest.com). لذا در صورتی که کشورهای روسیه و ایران بنا به دلایلی از عرضه نفت و گاز سر باز می‌زدند، ترکیه با بحران تامین انرژی روبرو می‌گردد. این موضوع به ویژه پس از بروز اختلاف نظرهای منطقه‌ای ترکیه با روسیه و ایران در خصوص بحران سوریه بیش از پیش نمایان شد. به عنوان نمونه سرنگونی هواپیمای سوخوی ۲۴ روسیه به وسیله ترکیه در نوامبر ۲۰۱۵ در مرز سوریه و ترکیه، رویدادی بود که موجب تنش در روابط ترکیه و روسیه گردید و روسیه تحریم‌های سنگین یک جانبه‌ای را علیه ترکیه اعمال و از جمله صدور گاز به ترکیه را با مشکل مواجه کرد که این اقدام روسیه آسیب بزرگی به اقتصاد کشور ترکیه وارد آورد.

این م‌ساله همچنین در تعاملات نفتی ترکیه و ایران در دوران تحریم نفت و گاز کشورمان در سالهای 1392 – 1389 نیز به نوعی دیگر عیان گردید. در این مقطع دولتمردان ترکیه که امکان یافتن منابع نفت و گاز از سوی سایر کشورها به منظور جایگزینی با نفت و گاز کشورمان در فرصت اندک را نداشتند، مبادلات انرژی با جمهوری اسلامی ایران و خرید گاز طبیعی و

نفت خام از کشورمان را به ناچار ادامه دادند. این اقدام آنکارا مورد اخطار و شنگتن قرار گرفت و مقامات آمریکایی، دولتمردان ترکیه را در خصوص عدم رعایت مقررات‌های تحریمی علیه کشورمان متهم نمودند تا جایی که معاون‌های بانک ترکیه به عنوان یکی از متهمان دور زدن تحریم‌های ایران در آمریکا دستگیر و زندانی گردید.

وقوع چنین رخدادهایی مسئله تضمین امنیت انرژی ترکیه را با چالش مواجه نمود. لذا ضرورت تنوع بخشی به کشورهای تامین کننده انرژی ترکیه در راهبرد کلان این کشور بیش از پیش برجسته گردید و در دستور کار ویژه دولتمردان ترکیه قرار گرفت. در حوزه سیاست خارجی نیز موضوع انرژی و تضمین امنیت انرژی به یکی از مقولات مهم روابط خارجی ترکیه بدل گردید. به همین جهت از سوی وزارت انرژی و منابع طبیعی ترکیه برنامه‌ای با عنوان طرح استراتژیک انرژی تهیه گردید. این استراتژی شامل امنیت عرضه انرژی، نقش مهم منطقه‌ای و جهانی ترکیه در زمینه انرژی، محیط زیست، منابع طبیعی و توسعه همکاری‌ها است. در این استراتژی بر موضوع تنوع بخشی به کشورهای تامین کننده انرژی ترکیه به عنوان راهکار اساسی برای فائق آمدن بر این ضعف تأکید شده است. در این استراتژی که برای سالهای 2019-2015 طراحی شده بود مقرر گردید تا پایان سال 2019 کاهش وابستگی به یک کشور واحد در تامین همزمان نفت خام و گاز طبیعی وارداتی باید به حداکثر 50 درصد تقلیل یابد. به عبارتی هیچ کشوری نبایستی تا سال 2019 بیش از 50 درصد نفت و گاز ترکیه را تامین نماید (Emre and Tunçalp, 2015:74).

بطور کلی می‌توان اذعان داشت که کشور ترکیه، در منطقه‌ای قرار گرفته که بالغ بر 72،7٪ از ذخایر اثبات شده نفت و 71،8٪ از ذخایر اثبات شده گاز طبیعی در هم‌سایگی آن واقع شده است. به عبارت بهتر، ترکیه از لحاظ موقعیت جغرافیای سیاسی بین کشورهای تولید کننده و کشورهای مصرف کننده منابع انرژی قرار گرفته و بدین جهت قصد دارد تا از این موقعیت ویژه و کم نظیر حداکثر استفاده را بنماید. با نگاهی به تاریخچه و سیاست‌های انرژی در ترکیه در می‌یابیم که برنامه‌های این کشور در حوزه انرژی، بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه دچار تحولی بنیادین شده و موضوعات مهمی را به قرار زیر در دستور خود قرار داده است:

تنوع بخشیدن به منابع انرژی و برقراری امنیت عرضه انرژی؛ تبدیل شدن ترکیه به کریدور مرکز ترانزیت انرژی؛ منافع اقتصادی و فعال شدن دیپلماسی اقتصادی به ویژه در بخش انرژی و انتقال خطوط لوله از خاک آن کشور؛ استفاده موثر از راهبرد انرژی برای

افزایش قدرت رقابت اقتصادی آن کشور و تقویت همکاری های منطقه ای و جهانی با استفاده از عنصر تعاملات اقتصادی با تمرکز بر حوزه سوخت های فسیلی و؛ همگرایی با بازار مصرف انرژی و تبدیل شدن به یکی از تهیه کنندگان اصلی منابع انرژی کشورهای اروپایی.

حضور ترکیه در مناطق استراتژیک خزر و خاورمیانه

با روی کار آمدن دولت اسلام‌گرای عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان در سال 2002، ترکیه تحولات و تغییرات چشمگیری را در عرصه سیاست داخلی و خارجی به خود دیده است. در این دوره، تغییرات سیاسی و اقتصادی در عرصه‌های داخلی موجب تغییر فعالیت‌ها و جهت‌گیری‌های ترکیه در زمینه سیاست خارجی و بازبینی سیاست خارجی گذشته شد. طرح استراتژی احمد داوود اوغلو، وزیر خارجه ترکیه مبنی بر «تنش صفر با همسایگان» به موتور محرکه‌ای برای گسترش روابط ترکیه با اکثر کشورهای همسایه تبدیل گردید. از سوی دیگر تئوری «عمق استراتژیک» نیز که از طرف داوود اوغلو مطرح شد بر اساس افزایش نفوذ ترکیه در منطقه به خصوص کشورهای حوزه خزر و خاورمیانه بود که دارای مشترکات فرهنگی، مذهبی و قومی زیادی با ترکیه بودند (Erşen and Köstem, 2019, 34). در این راستا منطقه خزر به عنوان حلقه اتصال آسیا به اروپا پس از جنگ سرد از یک موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی حساسی برخوردار گردیده است که به همراه منطقه خاورمیانه به عنوان یک حوزه سرشار از منابع نفت و گاز، در مناسبات انرژی جهان از جایگاه ممتاز و بی نظیری برخوردار گردیده اند. بر اساس ارزیابی‌های به عمل آمده در منطقه خزر تاکنون 48 میلیارد بشکه نفت و 8 تریلیون مترمکعب گاز طبیعی در آن منطقه کشف شده است. علاوه بر این 20 میلیارد بشکه نفت و 6 تریلیون متر مکعب گاز طبیعی نیز می‌بایستی به عنوان ذخایر اکتشاف نشده این مناطق به ظرفیت پیشین اضافه گردد. از طرف دیگر، خاورمیانه نیز با داشتن 800 میلیارد بشکه نفت تقریباً نیمی از ذخایر نفت جهان را به خود اختصاص داده است. همچنین این منطقه با 80 تریلیون مترمکعب گاز طبیعی بیش از 40 درصد از کل ذخایر گاز طبیعی کشف شده جهان را به خود اختصاص داده است (Dlawer et al., 2018:1). بر این اساس بهره‌گیری از این فرصت جهت یافتن کشورهایی در مناطق خزر و خاورمیانه که بتوانند به عملیاتی کردن استراتژی ترکیه در راستای تنوع بخشی کشورهای تامین کننده انرژی آن کشور مساعدت نماید در دستور کار جدی دولتمردان حزب حاکم عدالت و توسعه قرار گرفت. در میان کشورهایی که می‌توانستند ترکیه را در دستیابی به این راهبرد همکاری نمایند، دو کشورهای جمهوری آذربایجان و عراق با توجه به شرایط

ژئوپلیتیکی، اشتراکات فرهنگی و پتانسیل مناسب آنان در حوزه‌های نفت و گاز به صورت ویژه مورد توجه مقامات آنکارا قرار گرفتند.

ذخایر انرژی جمهوری آذربایجان

بر طبق آمار شرکت بریتیش پترولیوم، میزان ذخایر نفت آذربایجان بیش از 7 میلیارد بشکه می‌باشد. علاوه بر نفت، میزان ذخایر گاز این کشور نیز قابل توجه است (www.bp.com). همچنین موسسه نفت و گاز آذربایجان (سوکار) میزان ذخایر گاز این کشور را بیش از 3 تریلیون مترمکعب تخمین می‌زند که عمدتاً مربوط به میدان گازی شاه دنیز، به عنوان مهمترین و بزرگ ترین میدان گاز طبیعی آذربایجان می‌باشد که در دریای خزر واقع شده است.

سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی: سیاست خارجی ترکیه در طی سال‌های اخیر با تغییرات و تحولات فراوانی در روابط منطقه ای و فرامنطقه ای مواجه بوده است که سیاست این کشور در رابطه با قفقاز نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. به طوری که قفقاز جنوبی یکی از اولویت‌های ترکیه در سیاست خارجی بوده است.

با به قدرت رسیدن حزب «عدالت و توسعه» در ترکیه در سال 2002 میلادی، سیاست خارجی این کشور در روابط منطقه ای و فرامنطقه ای دستخوش تغییرات جدی شد. سیاست خارجی ترکیه قبل از 2002 یک سیاست خارجی به مراتب غرب‌گرا و تک بعدی بود و این کشور بخش عمده سیاست‌های خود را در جهت رابطه با غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا و عضویت در اتحادیه اروپا شکل داده بود. اما با حاکمیت حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجی ترکیه از یک سیاست تک بعدی تبدیل به یک سیاست خارجی چندبعدی، عملگرا و منافع محور در محیط پیرامونی و جهانی شد. یکی از ابعاد مهم این سیاست خارجی متحول شده، توجه به مناطق پیرامونی و کشورهای همسایه به منظور افزایش نقش و جایگاه ترکیه در این مناطق از جمله قفقاز جنوبی می‌باشد.

قفقاز جنوبی از دیرباز به خاطر موقعیتش از اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی برخوردار بوده و در طول تاریخ، محلی برای رقابت‌های سیاسی و اقتصادی میان قدرت‌های بزرگ به شمار می‌رفته است. امروزه نیز پس از فروپاشی شوروی و کشف ذخایر انرژی در این منطقه و دریای خزر، بر اهمیت ژئوپلیتیکی آن به مراتب افزوده شده است.

از جمله ویژگی‌های ژئوپلیتیکی که قفقاز جنوبی را برای قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای نظیر ترکیه با اهمیت کرده است، می‌توان به تنوع قومی و زبانی، محصور

بودن در خشکی و عدم دسترسی به آبهای آزاد، موقعیت ارتباطی این منطقه با دنیای پیرامونی خود در طول تاریخ و خطوط لوله انتقال منابع انرژی اشاره کرد. در منطقه قفقاز جنوبی تنها گرجستان توانایی دسترسی به آب های آزاد را دارد و آذربایجان و ارمنستان برای دسترسی به آب های آزاد نیازمند همسایگانی مثل ایران و ترکیه هستند. در این زمینه ترکیه با گسترش نفوذ خود در منطقه به ویژه در کشور آذربایجان و نقش آفرینی در جنگ اخیر قره باغ به نفع آن کشور، درصدد بهره برداری بیشتر از این مزیت نسبی خود برآمده است (فلاح پیشه و دیگران، 1394: 41-37).

وجود منابع انرژی در این منطقه و بحث انتقال آن از طریق خطوط لوله سبب گردیده که کشور های واقع در آن برای انتقال انرژی خود نیازمند کشورهای مجاور خود نظیر ترکیه باشند. ترکیه که خود جزء کشورهای واردکننده انرژی محسوب می شود، پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه با حمایت های آمریکا و غرب، درصدد گسترش نفوذ به منطقه و ترکی سازی خطوط لوله انتقال انرژی می باشد (افشردی، 1381: 73).

یکی از مهمترین ابعاد سیاست خارجی ترکیه در قفقاز؛ سیاست خط لوله و انتقال انرژی از طریق خاک ترکیه به سایر نقاط می باشد. موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و دسترسی به آب های آزاد و واقع شدن در جایگاهی میان شرق و غرب عالم، به ترکیه موقعیتی ممتاز داده است. از همین رو به لحاظ اقتصادی؛ ترکیه نزدیک ترین راه خروج به سمت کشورهای اروپایی است و متقابلاً منطقه قفقاز و دریای آن آسیای مرکزی کوتاهترین راه برای ایجاد راه های تجاری میان ترکیه و کشورهای منطقه جنوب شرق آسیا، چین و ژاپن است. از نظر ترکیه راه نفوذ به کل منطقه آسیای مرکزی، مسیر قفقاز است و قفقاز مهمترین دروازه برای این کشور به منظور مناسبات اقتصادی و روابط تجاری محسوب می شود. سیاست چهار راه انرژی یا ترکی سازی خطوط لوله پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در دستور کار دستگاه سیاست خارجی این حزب قرار گرفته و به طور جدی دنبال شده است (قادری حاجت، 1391: 78).

روابط ترکیه و جمهوری آذربایجان در بخش انرژی ترکیه از اولین کشورهای بود که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روابط دیپلماتیک خود را با کشورهای این حوزه برقرار کرد. ترکیه در ابتدا فعالیت های خود را با رویکرد فرهنگی پی گیری و در عرصه های آموزشی و فرهنگی فعالیت های خود را آغاز کرد و تلاش نمود با مشارکت در توسعه اقتصادی این کشورها، زمینه نفوذ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود را هموار کند. از اواخر دهه 1990 بود

که ترکیه بواسطه افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی به نفوذ و حضور خود در جمهوری آذربایجان شتاب بخشید و سیاست‌گذاران دولتی و بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در منطقه قفقاز جنوبی اقدام کردند. لذا در این سیاست جدید روابط میان ترکیه آذربایجان به صورت خاص و منطقه خزر به صورت عام عمدتاً براساس منافع مشترک اقتصادی تعریف شد و ترکیه سعی کرد در موضع جدید عمده تمرکز خود را بر افزایش همکاری‌های اقتصادی و پرهیز از ملاحظات صرفاً سیاسی در منطقه دنبال نماید. بر این اساس روابط دو کشور در حوزه‌های مختلف از رشد و گسترش بالایی برخوردار گردید. چنانچه در سال 2019 حجم مناسبات تجاری دو کشور ترکیه و آذربایجان، به بیش از 4 میلیارد دلار رسید و در سال یاد شده، ترکیه بعد از روسیه و ایتالیا، سومین شریک تجاری جمهوری آذربایجان به شمار می‌رود. در همین راستا ترکیه در سال 2019 بیش از 2/5 میلیارد کالا از جمهوری آذربایجان وارد نموده است که مهمترین کالاهای وارداتی ترکیه از کشور مذکور به ترتیب شامل؛ نفت خام، گاز طبیعی و محصولات پلیمری بوده است. در همین سال، ترکیه بیش از 1/6 میلیارد دلار کالا به جمهوری آذربایجان صادر کرده است (www.mfa.gov.tr).

در حوزه انرژی، آذربایجان پس از استقلال و در مقطعی که به دنبال تقویت ثبات داخلی در راستای ایجاد راهبرد توازن در روابط خود با روسیه بود، همواره تلاش داشته است که از موضوع انرژی در پیشبرد راهبرد توازن روابط خود با این کشور بهره گیرد. این امر مسئله انرژی را به یک ابزار کلیدی در مناسبات سیاست خارجی این کشور مبدل ساخته است. این مساله با موقعیت ژئوپلیتیکی مناسب این کشور در منطقه خزر و به خصوص از منظر قرار گرفتن در مسیرهای ترانزیتی برای باکو حائز اهمیت است. بر این اساس دولت آذربایجان همواره در تلاش است که از اهرم انرژی در جهت پیشبرد راهبرد خود در سیاست منطقه‌ای با هدف ایجاد امنیت انرژی در کریدور شرق - غرب بهره گیرد. از سوی دیگر از آنجائی که ترکیه از سال 1995 یک بازیگر معتبر در مسیر انتقال انرژی شرق و غرب در حوزه دریای خزر محسوب می‌شود، لذا راهبرد دولت آذربایجان متقابلاً با راهبرد انرژی ترکیه همسو بوده و این موضوع فرصت مناسبی را در اختیار دو کشور قرار داده است که سیاست‌های خود در این زمینه را با یکدیگر هماهنگ کرده و در این راستا گام بردارند (Yesevi and Tiftikcigil, 2015:31-34). با عنایت به اینکه ترکیه به طور قابل توجهی به منابع نفت و گاز منطقه قفقاز و دریای خزر از جمله آذربایجان به عنوان منبع انرژی مکمل می‌نگرد، لذا از آغاز سپتامبر

1994، شرکت نفت دولتی ترکیه ۱ عضو فعال کنسرسیوم صادرات نفت خارجی و گسترش فعالیت‌های نفتی در جمهوری آذربایجان شده است. لذا شرکت نفت ترکیه و سوکار آذربایجان پس از بی بی انگلیس بیشترین سهم را در توسعه میدان شاه دنیز آذربایجان دارا می‌باشند. این میدان گازی در سال 1999 توسط شرکت بی بی انگلستان به عنوان یکی از بزرگ ترین میدان‌های میعانات گازی و گاز طبیعی جهان کشف شد و تخمین زده می‌شود که بین 1/2 تا 1/5 تریلیون متر مکعب ذخیره گاز طبیعی داشته باشد. طرح توسعه این میدان گازی در چهار فاز اصلی طراحی شده است که تاکنون دو فاز آن تکمیل و عملیاتی شده است و دو فاز دیگر نیز طبق پیش‌بینی‌ها تا سال 2026 میلادی تکمیل و به بهره برداری خواهد رسید. (Dlawer and et.al, 2018: 5).

خطوط انرژی ترکیه - جمهوری آذربایجان: بی تردید یکی از مصادیق بارز توسعه روابط ترکیه با جمهوری آذربایجان در بخش نفت و گاز، گسترش کریدورها و خطوط انرژی میان دو کشور می‌باشد. این خطوط انرژی شامل الف: خط لوله گاز طبیعی ترانس آناتولی، ب: خط لوله گاز طبیعی باکو - تفلیس - ارزروم (خط لوله قفقاز جنوبی) و ج: خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیحان می‌باشد.

خط لوله گاز طبیعی ترانس آناتولی: پروژه خط لوله انتقال گاز ترانس آناتولی (تاناپ) موسوم به «جاده ابریشم انرژی» با هدف انتقال گاز جمهوری آذربایجان به ترکیه و اروپا از منطقه شاه دنیز در آذربایجان آغاز شده و در ادامه با گذر از گرجستان در خاک ترکیه ادامه یافته و تا کشور ایتالیا امتداد می‌یابد. این خط لوله یک بخش مهم در زنجیره ارزش کریدور جنوبی گاز اروپا است که با سرمایه‌گذاری 11 میلیارد دلاری، خط لوله قفقاز جنوبی در مرز ترکیه با گرجستان را به خط لوله تاپ در مرز ترکیه و یونان متصل می‌کند. این خط لوله طولانی‌ترین بخش پروژه عظیم کریدور جنوبی است، به طوری که 1850 کیلومتر از 3500 کیلومتر کریدور جنوبی به پروژه تاناپ مربوط بوده که طول جغرافیایی ترکیه را به طور کامل طی می‌کند. مرحله اول پروژه تاناپ به ظرفیت اولیه انتقال 6 میلیارد متر مکعب گاز به ترکیه در سال 2018 به بهره‌برداری رسیده و در مرحله دوم آن نیز نخستین محموله گاز آذربایجان به ظرفیت 10 میلیارد متر مکعب را در سال‌های 2021-2022 میلادی به اروپا صادر خواهد کرد (Dlawer and et.al, 2018:1).

بر این اساس با توسعه خط لوله تاناپ، ترکیه برای اولین بار به یک مسیر کلیدی برای ترانزیت گاز منطقه قفقاز و دریای خزر به اروپا تبدیل خواهد شد و این موضوع انگیزه

مضاعفی را برای مقامات آنکارا در جهت مشارکت جدی در این پروژه موجب گردیده است. لذا جمهوری آذربایجان و ترکیه شرکای استراتژیک در اجرای کریدور جنوبی گاز با هدف انتقال نفت و گاز طبیعی به اروپا به شمار می‌روند (Suleymanov and et.al, 2016: 25-27). خط لوله باکو - تفلیس - ارزروم (خط لوله قفقاز جنوبی)¹ این خط لوله از منطقه قفقاز به سمت غرب، از جمهوری آذربایجان به تفلیس و سپس در مسیری به سوی جنوب ترکیه به شهر ارزروم کشیده می‌شود که در آنجا به شبکه خط لوله سراسری گاز ترکیه متصل خواهد شد. این خط لوله گاز استخراجی با طول ۶۳۰ مایل، منابع عظیمی از گاز طبیعی آذربایجان در منابع دریای «شاه‌دنیز» را به ترکیه منتقل خواهد کرد (اندیشکده راهبردی تبیین، 1396: 5).

این خط لوله 42 اینچی که در سال 2006 کامل شد، دارای ظرفیت انتقال 20 میلیارد مترمکعب در سال می‌باشد که از سال 2017 صادرات گاز طبیعی از آن آغاز شده است. خط لوله مذکور به موازات خط لوله باکو - تفلیس - جیحان، می‌باشد که به نام خط لوله قفقاز جنوبی نیز شناخته شده است (Cohen, 2019: 15).

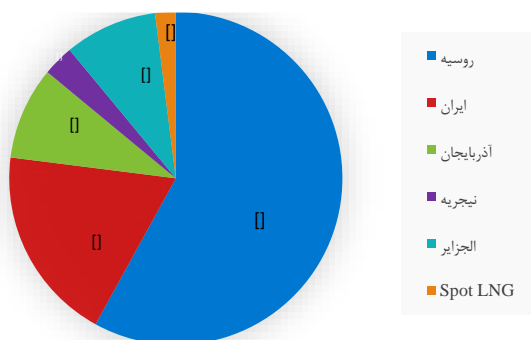
443 کیلومتر این خط لوله در جمهوری آذربایجان و 249 کیلومتر نیز در گرجستان قرار دارد. این خط لوله از اصلی‌ترین خطوط لوله صادرات گاز این منطقه می‌باشد که بیشترین مقدار گاز آن به ترکیه صادر می‌گردد و بخشی از آن از طریق یونان به اروپا منتقل می‌گردد. به طور کل این خط لوله از ترمینال سنگچال در جمهوری آذربایجان آغاز می‌شود و به موازات خط لوله انتقال نفت باکو - تفلیس - جیحان امتداد می‌یابد و در هورا سان به شبکه خطوط گاز ترکیه متصل می‌شود، نقش مهمی در رساندن گاز جمهوری آذربایجان به اروپا از طریق کریدور جنوبی ایفا خواهد کرد.

خط لوله باکو - تفلیس - جیحان: خط لوله باکو - تفلیس - جیحان از پایانه سنگچال در نزدیکی باکو در جمهوری آذربایجان آغاز و سپس به تفلیس در گرجستان امتداد یافته و از آنجا به جیحان ترکیه منتقل می‌گردد. نفت انتقال یافته نیز از بندر جیحان به وسیله کشتی‌های نفتی به بازارهای جهانی حمل می‌شود. خط لوله باکو - تفلیس - جیحان 1730 کیلومتر طول دارد که 465 کیلومتر آن در آذربایجان، 255 کیلومتر در گرجستان و 1010 کیلومتر آن در خاک ترکیه قرار دارد. این خط لوله دومین خط لوله طولانی و یکی از پرهزینه‌ترین (4/6 میلیارد دلار) خطوط لوله دنیا می‌باشد. ساخت خط لوله باکو - تفلیس - جیحان در سال 1998 آغاز گردید و کار خود را در جولای 2006 آغاز کرد و ظرفیت آن 1 میلیون بشکه نفت

در هر روز می‌باشد. این خط لوله از اصلی‌ترین خطوط لوله صادرات نفت به غرب می‌باشد که پیش‌بینی می‌شود به یکی از گزینه‌های اصلی برای صادرات نفت در دهه‌های آینده تبدیل شود. بیش از 80 درصد از نفت خام صادراتی توسط این کشور از طریق خط لوله باکو - تفلیس-جیحان انجام می‌شود (آجیلی، هادی و بهادرخانی، محمدرضا، 1393: 142).

افزایش سهم جمهوری آذربایجان در تامین گاز ترکیه در یک دهه اخیر: همکاری‌های ترکیه و جمهوری آذربایجان در بخش انرژی در سالین اخیر منجر به افزایش سهم جمهوری آذربایجان در تامین انرژی و به ویژه گاز طبیعی ترکیه گردیده است. این موضوع طبعاً سبب گردیده که جایگاه سهم سایر کشورهایی همچون ایران و روسیه در بازار انرژی ترکیه کاهش پیدا کند. همانگونه در نمودار شماره 1 مشاهده می‌شود در سال 2011 جمهوری آذربایجان صرفاً 9 درصد گاز طبیعی مورد نیاز ترکیه را تامین کرده است این در حالی است که در همان سال، کشورهای روسیه و جمهوری اسلامی ایران به ترتیب 58 و 19 درصد بازار گاز طبیعی ترکیه را در اختیار داشته اند (www.researchgate.net).

نمودار شماره 1: سهم عرضه کنندگان از بازار گاز ترکیه (2011)

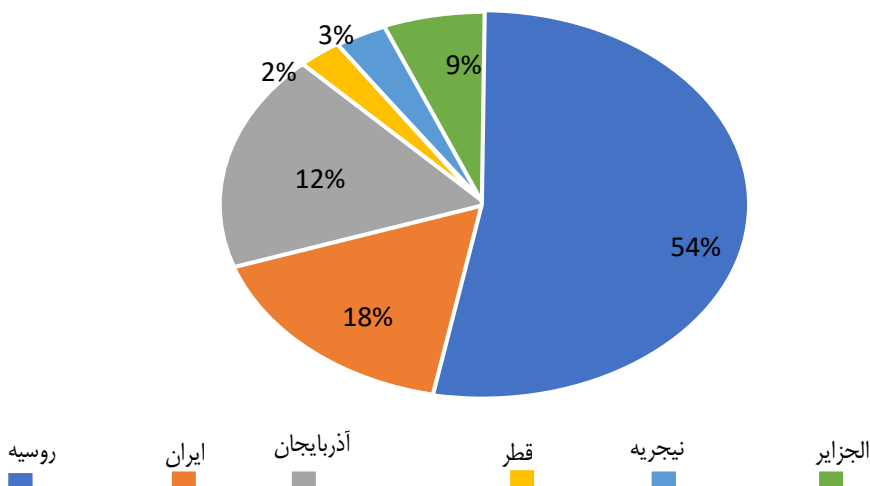


Source: <http://www.researchgate.net>

لیکن با اتخاذ راهبرد جدید در سیاست انرژی ترکیه در یک دهه اخیر شاهد روندی می‌باشیم که به مرور جایگاه جمهوری آذربایجان در تامین گاز طبیعی ترکیه افزایش یافته و بالتبع سهم و جایگاه کشورهای هم‌چون روسیه و جمهوری اسلامی ایران که تامین کنندگان سنتی گاز طبیعی ترکیه به شمار می‌آیند، با کاهش محسوسی مواجه شده است. همانگونه که در نمودار شماره 2 مشاهده می‌گردد، در سال 2014 سهم روسیه با 4 درصد کاهش به 54 درصد و سهم ایران نیز با 1 درصد کاهش به 18 درصد از کل بازار تامین گاز طبیعی

ترکیه تنزل یافته است. این در حالی است که در همین بازه زمانی، سهم جمهوری آذربایجان با 3 درصد افزایش به 12 درصد ارتقاء پیدا کرده است.

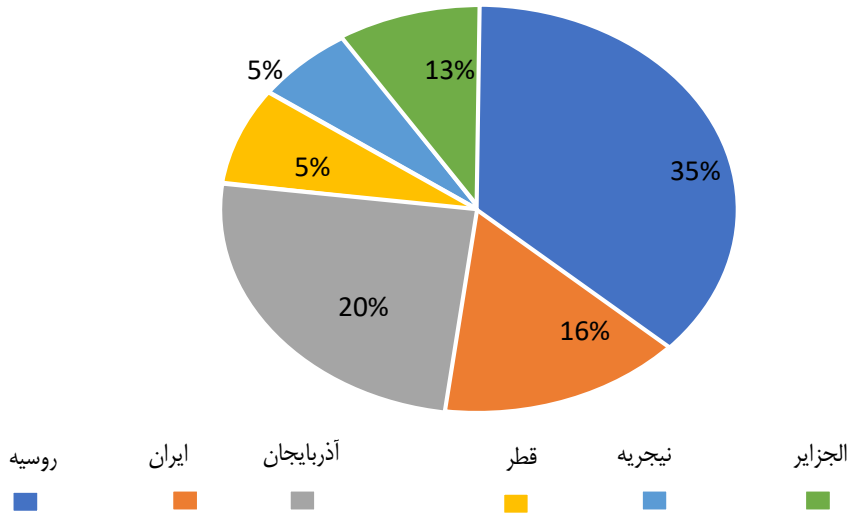
نمودار شماره 2: سهم عرضه کنندگان از بازار گاز ترکیه (2014)



Source: <http://www.hellenicshippingnews.com>

این روند همچنان در سالهای بعد نیز ادامه داشته است تا جایی که آذربایجان در سال 2019 با تامین 20 درصد گاز طبیعی ترکیه عملاً به جایگاه دوم تامین کننده گاز ترکیه تبدیل شده و جایگاه جمهوری اسلامی ایران را به خود اختصاص داده است. در این سال اگر چه روسیه کماکان جایگاه اول خود در بازار گاز وارداتی ترکیه را حفظ نموده است، لیکن سهم این کشور که در سالهای گذشته بیش از نیمی از بازار گاز ترکیه را در اختیار خود داشت در طی 8 سال به 35 درصد کاهش یافته است. جمهوری اسلامی ایران نیز با کاهش 3 درصدی در مقایسه با سال 2011 صرفاً 16 درصد سهم این بازار را به خود اختصاص داده و به جایگاه سوم در تامین گاز ترکیه تنزل پیدا کرده است. (نمودار شماره 3) (www.hellenicshippingnews.com)

نمودار شماره 3: سهم عرضه کنندگان از بازار گاز ترکیه (2019)



Source: <http://www.hellenicshippingnews.com>

روابط عراق و ترکیه در حوزه انرژی

همزمانی حمله نیروهای آمریکایی و متحدان این کشور به عراق در سال 2003 با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه با تمایل به احیای سیاست‌های عثمانی گرای، فرصت مناسبی را در اختیار دولت ترکیه قرار داد تا از فضای پدید آمده در عراق بعد از سقوط صدام حسین، در جهت اعمال نفوذ بیشتر استفاده کند. یکی از موضوعات مهم در روابط ترکیه و عراق موضوع انرژی است. به ویژه با توجه به مساله همکاری‌های ترکیه و اقلیم کردستان در موضوع انرژی، این موضوع از چالشی ترین موضوعات در روابط دو کشور بوده است (Barkey, 2010: 2).

جایگاه عراق از منظر انرژی بر اساس آخرین آمارهای سازمان اوپک، حجم ذخایر نفتی عراق حدود 148 میلیارد بشکه برآورد شده است؛ به طوری که گفته می‌شود حدود 8/8 در صد از کل ذخایر نفت جهان به عراق اختصاص دارد و در خصوص گاز طبیعی نیز ذخایر گازی این کشور حدود 10 تریلیون متر مکعب می‌باشد (BP, 2018).

طبق اعلام وزیر منابع طبیعی و نفت و گاز منطقه کردستان عراق، برآوردهای جدید از میزان ذخایر این منطقه حاکی از وجود حداقل 45 میلیارد بشکه نفت خام و بین 100 تا 200

میلیارد متر مکعب گاز طبیعی می باشد (Bowlus, 2017: 16-17). بر همین اساس، اقلیم کردستان عراق در سالهای اخیر در راستای توسعه و گسترش روابط اقتصادی با دیگر کشورها، طرح‌های بلند پروازانه‌ای برای صادرات نفت خام منطقه خود در نظر داشته و به این منظور قراردادهای نفتی مهمی را منعقد کرده است (Akyener and Kayael, 2016:79)

در سال های اخیر عراق، مسیر رو به رشدی را برای توسعه صنعت نفت و گاز خود در پیش گرفته و به دنبال احیای جایگاه خود در بازار جهانی است. به عنوان نمونه در سال ۲۰۱۵ نسبت به چهار سال قبل، میزان تولید نفت خام این کشور از $2/6$ میلیون بشکه به حدود 4 میلیون بشکه در روز افزایش یافته است. در این راستا بر اساس آمارهای منتشره میزان تولید نفت آن کشور در سال 2019 حدود $4/8$ میلیون بشکه در روز بوده است (BP, 2020: 14-15).

با توجه به مطالب گفته شده به نظر می رسد در صورت عملیاتی شدن این برنامه ها، عراق به دومین صادرکننده نفت خام دنیا پس از روسیه تبدیل و نیمی از کل افزایش تولید نفت دنیا در این دوره را به خود اختصاص خواهد داد. همچنین با افزایش مقدار نفت خام تولید شده در کشور عراق، این کشور می تواند به ظرفیت غیرعملیاتی قابل توجهی دست یابد که سال‌ها عربستان سعودی مدعی دارا بودن آن بوده است. بر این اساس کسب جایگاه عربستان سعودی به عنوان دارنده جایگاه برتر در میان اعضای اوپک توسط عراقی‌ها در سال 2040 میلادی، دور از انتظار نیست (Karagöl and Kaya, 2014: 24).

همکاری های ترکیه و عراق در حوزه انرژی: همکاری ترکیه و عراق در حوزه انرژی در بخش‌های مختلفی در جریان بوده است. یکی از این بخش‌های همکاری، خط لوله کرکوک - جیحان است که جزو خطوط لوله اصلی بزرگ صادرات نفت عراق به شمار می رود. این خط لوله نفت را از شهر کرکوک واقع در شمال عراق به بندر جیحان در سواحل مدیترانه‌ای ترکیه انتقال می دهد. این مسیر که در سال 1977 به بهره‌برداری رسید، شامل دو لوله 46 و 40 اینچی، به ترتیب به ظرفیت $1/1$ میلیون بشکه در روز و 500 هزار بشکه در روز است. بنابراین ظرفیت کل آن معادل $1/6$ میلیون بشکه در روز و طول آن 970 کیلومتر است. البته توان عملیاتی فعلی این خط در حدود 300 هزار بشکه در روز است. این خط لوله در سال 1991 و پس از حمله عراق به کویت بسته شد و مجددا در زمان برقراری برنامه نفت در برابر غذای سازمان ملل متحد گشوده شد. این خط لوله از سال 2003 و پس از حمله

آمریکا به عراق مجدداً برای صادرات نفت میادین شمالی عراق مورد استفاده قرار گرفت (خواجوی، ۱۳۹۰: ۲۳).

در سالیان اخیر نیز عراق و ترکیه گفتگوهایی را برای افزایش ظرفیت خط لوله در این مسیر برگزار کرده‌اند و پیشنهادهایی برای ساخت یک خط لوله جدید حمل و نقل نفت خام سنگین عراق از طریق ترکیه داده شده است. بر این اساس اواخر سال ۲۰۱۷ طرح ساخت خط لوله جدید انتقال نفت کرکوک- جیهان از سوی وزارت نفت عراق مطرح گردید. از این رو دولت عراق قصد دارد خط لوله جدید را جایگزین بخشی از خط لوله قدیمی کند. این پروژه از کرکوک آغاز و تا فیش- خابور، نقطه مرزی با ترکیه کشیده می‌شود. این خط لوله ۳۵۰ کیلومتر طول خواهد داشت که از ظرفیت انتقال روزانه یک میلیون بشکه نفت برخوردار خواهد بود. در صورت عملیاتی شدن خط لوله مزبور، این اقدام می‌تواند نقطه عطفی در حوزه همکاری‌های انرژی (نفت) میان آنکارا و بغداد محسوب گردد (Roberts, 2018: 101). ساخت خط لوله مذکور بنا به پیش‌بینی‌های به عمل آمده دو تا سه سال طول خواهد کشید و در سال ۲۰۲۳ عملیاتی خواهد شد (www.dailysabah.com). در صورت عملیاتی شدن این خط لوله علاوه بر افزایش حجم صادرات نفت خام عراق به ترکیه، جایگاه و اهمیت بندر جیحان در مناسبات انرژی منطقه ارتقاء خواهد یافت و شاهد تامین منافع دو طرف در این معادله خواهیم بود.

همچنین یکی از موضوعات مهم در روابط انرژی ترکیه و عراق نقش بالقوه عراق در تامین گاز خط لوله تاناب می‌باشد. همانگونه که اشاره گردید در زمان طراحی خط لوله تاناب طراحان این خط لوله یکی از تامین کنندگان گاز طبیعی این کریدور را عراق اعلام نمودند. در همین راستا در اواخر سال ۲۰۲۰ یک یادداشت تفاهم همکاری میان وزیر نفت عراق و همتای آذری به امضاء رسید که در آن بر همکاری دو طرف در زمینه توسعه خط لوله تاناب تاکید گردید.

همکاری‌های ترکیه و اقلیم کردستان عراق در حوزه انرژی: به طور کلی استراتژی آنکارا نسبت به منطقه خود مختار کردستان عراق به دو مقطع زمانی تقسیم می‌شود. دوره اول بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ که در این مقطع رهیافت ترکیه در قبال اقلیم کردستان مبتنی بر سیاست خط قرمز بود که بر اساس آن ترکیه مخالف هرگونه استقلال عمل کردها در عراق بوده و رابطه این کشور با اقلیم کردستان از مجرای حکومت مرکزی عراق صورت می‌پذیرفت. از سال ۲۰۰۷ به بعد ترکیه با بهره‌گیری از استراتژی وابستگی اقتصادی، به گسترش حضور و نفوذ خود در عراق دست زد. دولت ترکیه در این راستا با توسعه همکاری‌های اقتصادی با

دولت خودمختار کردستان عراق مرحله تازه‌ای از نفوذ را کلید زد. به طوری که در حال حاضر بیشترین سرمایه‌گذاری در کردستان عراق متعلق به شرکتهای ترک بوده و هر روز بر فعالیت آنها افزوده می‌شود. حضور بیش از 1000 شرکت ترکیه‌ای در زمینه‌های مختلف نفتی و پتروشیمی، صنایع مصرفی و غیره در این منطقه، در کنار حضور 15000 کارگر ترک تبار برخی از مصادیق سیاست نفوذ ترکیه در اقلیم کردستان عراق محسوب می‌شود (نیک فر و ماهیدستی، 1394: 190).

در این مقطع، نیاز ترکیه به انرژی و از طرف دیگر نیاز کردستان عراق به سرمایه‌گذاری و کالاهای تولیدی ترکیه مکمل هم بوده و پیش برنده روابط طرفین می‌باشد. علاوه بر انرژی، شرکتهای ترک بیشترین سرمایه‌گذاری را در کردستان عراق انجام داده‌اند. بر اساس آمارهای موجود 60 درصد کمپانی‌هایی که در کردستان عراق فعالیت می‌کنند متعلق به ترکیه می‌باشند و حجم روابط تجاری ترکیه با کردستان عراق تا قبل از فراندوم استقلال منطقه کردستان عراق، بالغ بر 8 میلیارد دلار بوده است (ذوالقدر و کاظمی پیرسرا، 1394: 85). هر چند این حجم مبادلات در سال 2017 و آغاز تنش‌های مربوط به همه‌پرسی اقلیم کردستان به 6/7 میلیارد دلار کاهش یافته بود. لیکن پس از فروکش تنش‌های حاصل از همه‌پرسی سطح مبادلات تجاری دو طرف با رشد و توسعه مواجه گردید. آمارها حاکی از آن است که مجموع واردات اقلیم کردستان عراق در سال 2019 حدود 21 میلیارد دلار بوده است که دو کشور ترکیه و ایران، مقام نخست بیشترین صادرات کالا به اقلیم کردستان در این سال را به خود اختصاص داده‌اند (www.tejaratban.ir). از آنجائی که بخشی از نگاه ترکیه به عراق مبتنی بر تامین انرژی از آن کشور است، لذا سیاستمداران این کشور بر آن شدند رابطه نزدیکی با کردستان عراق که دارای ذخایر غنی انرژی است برقرار نمایند. در این راستا مقامات اقلیم کردستان عراق نیز متقابلاً در صدد برآمدن تا بخشی از طرح‌ها و برنامه‌های نفت و گاز طبیعی خود را در قالب همکاری با ترکیه محقق نمایند. لذا در نوامبر 2013 ترکیه و اقلیم کردستان یک قرارداد احداث خط لوله انتقال نفت و گاز به امضاء رساندند که براساس آن بخشی از نفت و گاز اقلیم کردستان به ترکیه و بخشی از آن از طریق ترکیه به بازارهای جهانی صادر می‌شود. در قرارداد مذکور دو خط لوله به منظور انتقال نفت و گاز منطقه اقلیم کردستان طراحی شده است. خط اول انتقال نفت اقلیم کردستان که به اتمام رسیده و به خط لوله موجود کرکوک - جیحان متصل می‌شود، ظرفیت انتقال 1.6 میلیون بشکه نفت را دارد. در حال حاضر فقط بخشی از ظرفیت آن برای انتقال نفت عراق به بندر

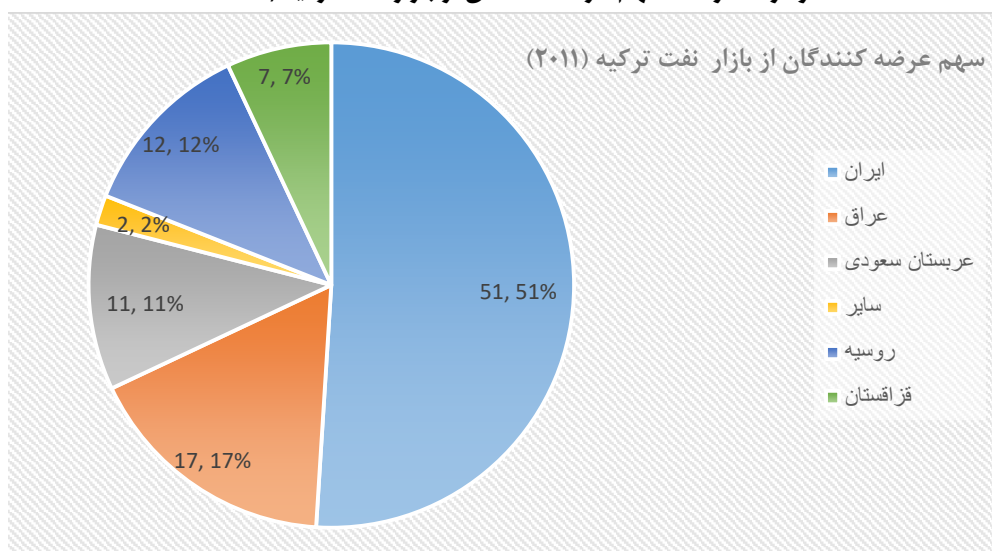
جیحان استفاده می‌شود و می‌تواند تا روزانه 700 هزار بشکه نفت خام اقلیم کردستان را نیز وارد بازارهای جهانی کند. خط لوله دوم نفت اقلیم کردستان به ترکیه برای انتقال نفت سنگین جنوب این منطقه استفاده می‌شود؛ چرا که مخلوط کردن آن با نفت سبک میدان‌های تق تق و تاوکهه کیفیت هر دو را تنزل می‌دهد. خط لوله دوم نفت اقلیم کردستان به ترکیه از ظرفیت بالایی برخوردار بوده و در گام نخست، امکان انتقال یک میلیون بشکه نفت خام در روز را دارا می‌باشد که به طور مرحله‌ای امکان افزایش ظرفیت آن به سقف دو میلیون بشکه در روز نیز دور از دسترس نمی‌باشد (Roberts, 2018: 107).

در بخش گاز طبیعی نیز با توجه به ذخایر گسترده گاز در منطقه اقلیم کردستان، ترکیه در نظر دارد روزانه 10 میلیون متر مکعب گاز از اقلیم کردستان وارد کند. پیش‌بینی شده بود که صدور گاز اقلیم کردستان از خط لوله جدید از 2019 شروع شود که با توجه به تحولات پدید آمده مرتبط به همه‌پرسی اقلیم کردستان با تاخیر روبرو شد. با وجود این، بر حسب توافقات انجام شده که سندهای نهایی آن بین ترکیه و اقلیم کردستان عراق به امضا رسیده است، ترکیه در مرحله اول از عراق سالانه 520 میلیون مترمکعب گاز طبیعی وارد خواهد کرد که این میزان به مرور زمان افزایش خواهد داشت. لازم به ذکر است که روس‌نفت، شرکت نفتی روسیه نیز شهریور سال 1396 اعلام کرد در خط لوله انتقال گاز اقلیم کردستان عراق به ترکیه و اروپا سرمایه‌گذاری خواهد کرد. بر این اساس مقرر گردیده که روس‌نفت بیش از یک میلیارد دلار به تأمین مالی خط لوله انتقال گاز از اقلیم کردستان عراق به ترکیه و اروپا، سرمایه‌گذاری نماید. این خط لوله علاوه بر تأمین نیازهای داخلی اقلیم کردستان عراق، سالانه ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز به ترکیه و از این کشور به اروپا صادر می‌کند. نکته حائز اهمیت در این زمینه آن است که حجم گاز صادراتی از طریق این خط لوله در صورت نهایی شدن قابل توجه بوده، چرا که معادل ۶ درصد کل تقاضای اروپا برای گاز طبیعی مورد نیاز برای مصرف و همچنین به میزان یک ششم گاز صادراتی روسیه به اروپا است (Çelikpala and Erşen, 2019: 585).

افزایش سهم عراق در تأمین انرژی ترکیه در یک دهه اخیر: بررسی حجم مبادلات انرژی ترکیه و عراق در یک دهه اخیر می‌توان به این موضوع منتج می‌گردد که در این دهه شاهد افزایش صادرات انرژی و به ویژه نفت از عراق به ترکیه بوده ایم. به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۱ جمهوری اسلامی در مجموع ۵۱ درصد از نفت خام ترکیه را تأمین می‌کرده و عراق با فاصله قابل توجهی و به میزان ۱۷ درصد از نفت ترکیه را تأمین نموده و در جایگاه دوم

صادرکنندگان نفت به ترکیه قرار داشته است. به عبارتی همانگونه در نمودار شماره 4 ملاحظه می‌گردد در سال 2011 ترکیه بیشترین وابستگی را به واردات نفت از ایران داشته است و کشورمان بیش از نیمی از نفت خام ترکیه را تامین می‌کرده است. لیکن این موضوع با استراتژی دولتمردان ترکیه در سالیان اخیر مبنی بر تنوع بخشی کشورهای تامین کننده انرژی در منافات بود.

نمودار شماره 4: سهم عرضه کنندگان از بازار نفت ترکیه (2011)

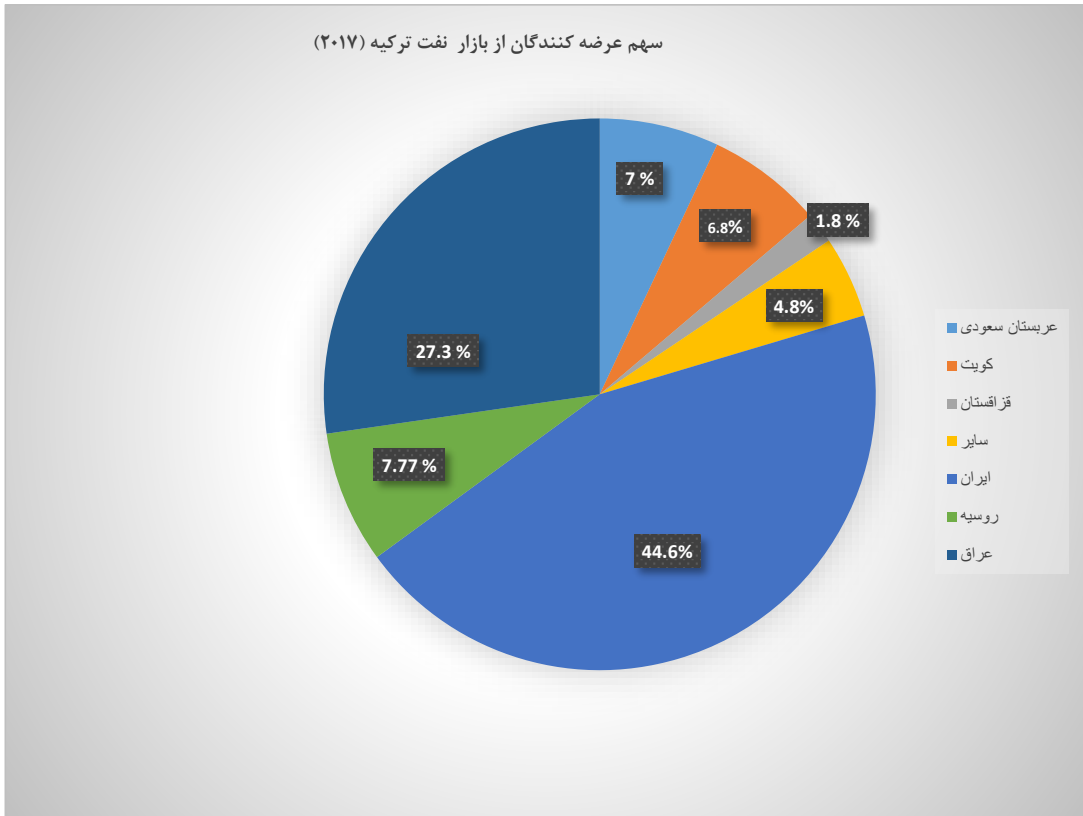


منبع : Eurostat 2011

لذا با اتخاذ استراتژی جدید ترکیه در بخش انرژی، تغییر اساسی در این مناسبات را شاهدیم و به مرور از وابستگی ترکیه به واردات نفت خام ایران کاسته شده و کشورهای دیگر و به ویژه عراق، سهم و جایگاه خود در صادرات نفت به ترکیه ارتقاء بخشیده اند. چنانچه در بررسی مبادلات نفتی ترکیه در سال 2017 مشاهده می‌گردد که سهم جمهوری اسلامی ایران با 7 درصد کاهش به 44 درصد از بازار نفت ترکیه کاهش یافته است. در همین راستا بررسی نمودار شماره 5 بیانگر آن است که سهم روسیه از 12 درصد بازار وارداتی نفت ترکیه در سال 2011 به 7/7 درصد در سال 2017 کاهش یافته است. در مقابل سهم عراق در این سالها با افزایش روبرو بوده و از میزان 17 درصد در سال 2011 به 27/3 درصد در سال 2017 ارتقاء یافته است. لازم به ذکر است علیرغم اینکه در سال 2017 کماکان جمهوری

اسلامی ایران رتبه نخست در تامین نفت وارداتی ترکیه را به خود اختصاص داده است لیکن سهم ایران از میزان 51 درصد در سال 2011 به میزان 44.6 درصد در سال 2017 کاهش یافته است (نمودار شماره 5).

نمودار شماره 5: سهم عرضه کنندگان از بازار نفت ترکیه (2017)



منبع : Yearly oil market SectoralReport, 2017, Energy Market Regulatory Authority

این روند تا جایی ادامه یافت که در سال 2020 و با توجه تحریم های اعمال شده از سوی ایالات متحده علیه ایران که به کاهش چشمگیر صادرات نفت منجر شد، عراق موفق گردید رتبه نخست در صادرات نفت به ترکیه را کسب نموده و جایگزین جمهوری اسلامی ایران در این بخش گردد. لذا بر اساس آمار منتشره توسط وزارت انرژی ترکیه؛ در ماه جولای 2020 عراق با صادرات 1 میلیون و 40 هزار تن نفت خام به ترکیه رتبه نخست در صادرات نفت به این کشور را کسب

نموده و پس از عراق کشورهای روسیه 975 هزار تن و نیجریه با صادرات 713 هزار تن به ترتیب رتبه دوم و سوم را به خود اختصاص دادند (www.hurriyetaidailynews.com).

از سوی دیگر، در صورتی که صادرات گاز طبیعی منطقه کردستان عراق به ترکیه مطابق با آنچه که هدف گذاری شده است، عملیاتی گردد، می توان انتظار داشت که به طور مرحله‌ای حجم گاز طبیعی صادراتی این منطقه به ترکیه تا 10 میلیارد مترمکعب در سال افزایش یابد. این موضوع طبیعتاً تأثیرات شگرفی بر مناسبات گازی ترکیه در منطقه خاورمیانه و خزر بر جای خواهد گذاشت و بر قدرت مانور ترکیه در تعامل با بازیگران این مناطق و به ویژه جمهوری اسلامی ایران در حوزه مناسبات انرژی خواهد افزود.

نتیجه

در عصر کنونی، سیاست های انرژی یکی از مهمترین زیر شاخه های اقتصاد کلان بوده و اتخاذ تصمیمات مناسب در این حوزه، نقش مهمی در دستیابی کشورها به اهداف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آنها و بالتبع گسترش حوزه همکاری ها و همچنین تامین بهینه تر منافع ملی کشورها ایفا می نماید. امروزه سیاست های انرژی کشورها تبدیل به موضوعی بسیار پیچیده و چند بعدی شده است. سیاست های بخش انرژی همچون وجود منابع کافی و تنوع بخشی به مبادی تامین و صادرات انرژی، در توسعه هر کشوری ایفای نقش می نماید. از جمله دلایل توسعه سیاست های انرژی و مداخله در بازار انرژی توسط دولت ها، تنظیم بازار انرژی به منظور عرضه انرژی کافی، با کیفیت و ارزانتر، کاهش وابستگی به منابع انرژی خارجی و تامین امنیت انرژی می باشد.

ترکیه نیز به عنوان کشوری که در سال های اخیر رشد اقتصادی مناسبی را تجربه کرده است، بیش از گذشته جهت تضمین امنیت انرژی، خود را نیازمند به منابع نفت و گاز منطقه و به ویژه منابع انرژی حوزه خزر و خاورمیانه می بیند. این مسئله در کنار اراده ترکیه برای بهره گیری از موقعیت ژئوپلیتیک خاص خود برای تبدیل شدن به مرکز ترانزیت انرژی به اروپا، معادله ای را پدید آورده است که در آن اهمیت تعاملات ترکیه با همسایگانش را آشکار می نماید. این موضوع در سیاست خارجی این کشور با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه بیش از پیش برجسته گردید و در این مقطع موضوع انرژی تبدیل به یکی از مقولات مهم روابط خارجی ترکیه شد. لذا سیاست خارجی ترکیه در تعامل با برخی کشورها و به ویژه با کشورهای حوزه پیرامونی آن از مقوله انرژی متأثر شده که می بایستی در تحلیل مقولات مرتبط با روابط خارجی ترکیه مدنظر تحلیلگران و تصمیم سازان قرار گیرد.

همچنین یکی از اهداف طراحی استراتژی «عمق استراتژیک» و «به صفر رساندن اختلاف با همسایگان» که از طرف احمد داود اوغلو مطرح شد، در برگیرنده آن بود که ترکیه از ظرفیت های بالقوه و بالفعل در مناطق پیرامونی خود و از جمله مناطق خزر و خاورمیانه در جهت راهبرد تضمین امنیت انرژی بهره جوید.

با توجه به وابستگی بالای ترکیه به تعداد بسیار محدودی از کشورها در تامین نفت و گاز که در زمره یکی از تهدیدات جدی در تضمین امنیت انرژی آن کشور به شمار می رود، موضوع تنوع بخشی به کشورهای تامین کننده انرژی در اولویت و دستور کار ویژه دولتمردان ترکیه در سالیان اخیر قرار داشته است. لذا طراحی استراتژی انرژی ترکیه بر مبنای تعدد بخشی به کشورهای تامین کننده نفت و گاز طبیعی از یک سو و نیز کاهش وابستگی شدید به کشورهای محدود در تامین انرژی این کشور، در همین راستا ارزیابی می گردد. نزدیکی با کشورهای همسایه و به ویژه مناطق خزر و خاورمیانه و همچنین اصلاح نگاه صرفا امنیتی به مسئله ترانزیت انرژی از مناطق پیرامونی و غالب شدن نگرش اقتصادی به موضوع مذکور توسط دولتمردان ترکیه در یک دهه اخیر، از جمله مصادیق قابل توجه در جهت عملیاتی کردن این راهبرد ترکیه به شمار می آید.

با عنایت به روابط راهبردی و نزدیکی های زبانی و فرهنگی ترکیه و جمهوری آذربایجان، موضوع همکاری های انرژی در بخش نفت و گاز به موتور محرکه ای در جهت ارتقاء مناسبات آنکارا - باکو و همچنین به ابزاری در راستای افزایش نفوذ سیاسی - اقتصادی ترکیه در جمهوری آذربایجان مبدل گردید. در خصوص همکاری های ترکیه و عراق نیز با وجود حساسیت های موجود در روابط ترکیه و عراق و به ویژه با منطقه کردستان عراق، لیکن دولتمردان ترکیه با اتخاذ رویکرد هوشمندانه ای موفق شده اند که بر بخش عمده ای از این حساسیت ها و پیچیدگی ها فائق آیند. هرچند تا نقطه ایده آل و تحقق حداکثری اهداف راهبردی ترکیه در حوزه انرژی با عراق فاصله وجود دارد، لیکن اقدامات و توافقات به عمل آمده در حوزه نفت و گاز، خطوط انتقال انرژی و همچنین ارتقاء حجم مبادلات انرژی ترکیه و عراق، به ویژه در بخش نفت خام در یک دهه اخیر موید آن است که ترکیه در این مسیر گام های موفقتری برداشته است. لذا با بررسی و مرور روابط ترکیه با کشورهای مذکور در یک دهه اخیر، می توان مقطع مذکور را «دوره توسعه و ارتقاء روابط انرژی» ترکیه با کشورهای جمهوری آذربایجان و عراق نامید که این موضوع بر جایگاه ترکیه به عنوان یک بازیگر تاثیر گذار در حوزه تحولات انرژی در منطقه افزوده است.

بر این اساس بر مبنای مولفه های اصلی نظریه نئولیبرالیسم، می توان مسئله همکاری و وابستگی متقابل را از مولفه های کلیدی در روابط ترکیه و همسایگانش به خصوص عراق و آذربایجان به شمار آورد. بر اساس تئوری نئولیبرالیسم، از آنجائیکه یکی از مولفه های قدرت در معنای موسع آن، قدرت نهادسازی و تعیین دستور کار رژیم های همکاری منطقه ای می باشد، لذا در تحقیق حاضر و بر اساس نظریه مذکور به منظور همکاری در قالب یک نهاد منطقه ای غیر عرفی و غیرمحسوس، پیرامون یک موضوع خاص که در این پژوهش انرژی می باشد، بازیگرانی شامل ترکیه، عراق و آذربایجان انتظارات و منافع خود را تعقیب می کنند که در این مسیر هریک از آنان موفقیت ها و منافی را کسب نموده اند.

در نگاهی جامع باید اذعان نمود که در یک دهه گذشته ترکیه تلاش نموده است با رویکرد تنوع بخشی به کشورهای تامین کننده منابع انرژی خود، بر وابستگی به کشورهای محدود در تامین انرژی، به عنوان تهدید جدی در تضمین امنیت انرژی غلبه نماید که در این زمینه موفقیت هایی نیز کسب نموده است. طراحی و پیشبرد عبور خطوط مهم انتقال انرژی کشورهای آذربایجان و عراق از خاک ترکیه به منظور تامین بخش بیشتری از نیازهای ترکیه از منابع انرژی این کشورها و نیز توجه به موضوع هاب گردیدن و محور شدن در ترانزیت انرژی، از مصادیق قابل ذکر در این عرصه می باشد. در واقع، در این مقطع راهبرد کلان ترکیه بر محوریت همکاری با سایر بازیگران در حوزه انرژی و در چارچوب تئوری بازی با حاصل جمع مثبت و رویکرد برد - برد طراحی گردیده است که با عملیاتی نمودن آن، به موفقیت های خوبی نائل آمده است.

منابع و مأخذ

فارسی

- افشردی، محمدحسین، (1381)، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات فرهنگ و مطالعات نظامی.
- آجیلی، هادی و بهادرخانی، محمدرضا (1393)، «اقتصاد سیاسی خطوط لوله انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، دوره سوم، شماره 10، صص 129-155.
- خواجهوی، علی (1390)، «بررسی وضعیت صنعت نفت و گاز منطقه کردستان عراق»، ماهنامه اکتشاف و تولید، شماره 82، صص 6-14.

- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (1392)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- ذوالقدر، مالک و کاظمی پیرسرا، سیدرشید (1394)، «سیاست ترکیه در اقلیم کردستان و آینده سیاسی عراق»، *مجله پژوهش های سیاسی و بین المللی*، دوره شش، شماره 23، صص 107-69.
- فلاحت پیشه، حشمت اله، شربتی، وحید و مظفری، محمدمهدی (1394)، «سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسی»، *پژوهش های راهبردی سیاست*، سال سوم، شماره 12، صص 60-37.
- قادری حاجت، مصطفی و حمیدرضا، نصرتی (1391)، «اهداف ژئوپلیتیکی قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای در آسیای مرکزی»، *فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک*، شماره 8.
- قاسمی، روح اس... (1385)، «تحلیل گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (1368-1384) از منظر مکتب کپنهاگ»، *دانشکده روابط بین الملل وزارت خارجه: پایان نامه کارشناسی ارشد*.
- مشیرزاده، حمیرا (1389)، *تحول در نظریه روابط بین الملل*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- نیک فر، جاسب و ماهیدشتی، مهدی (1394)، «واکاوی استراتژی نفتی اقلیم کردستان عراق؛ اهداف و رویکردها»، *پژوهش های راهبردی سیاست*، دوره چهار، شماره 14، صص 167-197.
- بی نام (1398/7/16)، «اخبار اقتصادی داخلی و خارجی جمهوری آذربایجان»، *معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه*، قابل دسترس در:
<https://economic.mfa.ir/portal/newsview/543990>
- بی نام، (1392/9/11)، «بررسی جامع وضع انرژی و ذخایر نفت و گاز در عراق و اقلیم کردستان»، *شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی (شانا)*، قابل دسترس در: www.shana.ir/news/209754
- بی نام (1397/3/24)، «ترکیه در سودای تبدیل شدن به قطب انتقال نفت و گاز»، *خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)*، قابل دسترس در: <https://www.irna.ir/news/82942673>
- بی نام (اردیبهشت 1396)، «تبیین ژئوپلیتیک کریدورهای انرژی در منطقه غرب آسیا»، *اندیشکده راهبردی تبیین*، قابل دسترس در:
http://tabyincenter.ir/wp-content/uploads/2017/04/A4_%D8%AA%D8%A8%DB%8C%DB%8C%D9%86_%DA%98%D8%A6%D9%88%D9%BE%D9%84%DB%8C%D8%AA%DB%8C%DA%A9_%DA%A9%D8%B1%DB%8C%D8%AF%D9%88%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D8%A7%D9%86%D8%B1%DA%98%DB%8C.pdf
- بی نام، (1396/8/22)، «چالش ها و برنامه های انرژی بغداد؛ همه چیز درباره نفت و گاز عراق»، *پایگاه خبری-تحلیلی میز نفت*، قابل دسترس در: <http://www.mizenaft.com/report/19532>
- بی نام (1398/10/10)، «ایران و ترکیه در صدر صادرات کالا به کردستان عراق»، *سایت خبری تجارت بان*، قابل دسترس در: <https://tejaratban.ir/content/10131/>

– بی نام، «خلاصه مدیریتی گزارش تحولات اقتصادی، ژئوپلیتیکی و دیپلماسی نفت و گاز آذربایجان (در قالب پروژه شناخت پویایی بازارهای نفت و گاز)»، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، قابل دسترس در:

<http://www.iies.ac.ir/portal/file/?353072/990209-rpee9901-total.pdf>

لاتین

- Akyener, Oğuzhan and Kayael, Burak (2016), “Northern Iraq and Turkey: From the View of Energy Politics”, **Energy Policy Turkey**. Available at: <https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/344922>
- Ala’Aldeen, Dlawer and et al. (2018), “EU and Turkish Energy Interests in the Caspian and Middle East Region”, **Feature Online Paper**, No. 13, p.p. 1-22. Available at: https://feature.uni-koeln.de/sites/feature/user_upload/FEUTURE_Online_Paper_No_13_final_1.pdf
- B.P (2019), “Statistical Review of World Energy”, **British Petroleum**, Vol. 69, p.p. 1-72.
- Barkey, Henri J. (2010, May), “Turkey’s New Engagement in Iraq- Embracing Iraqi Kurdistan”, United States Institute of Peace, Special Report, No. 237, p.p.1-20.
- Bowlus, V. John (2017), “A crude marriage: Iraq, Turkey, and the Kirkik-Ceyhan oil Pipeline”, **Middle Eastern Studies**, Vol. 45, p.p. 1-23.
- Çelikpala, Mitat and Erşena, Emre (2019), “Turkey and the changing energy geopolitics of Eurasia”, **Energy Policy**, Vol. 128, p.p. 584-592.
- Cohen, Gina (2019), “Natural Gas Import and Export Routes in South-East Europe and Turkey”, **Institute of Energy for SE Europe, Working Paper**, No.26.
- Emre, Tunçalp (2015), “Turkey’s Natural Gas Strategy: Balancing Geopolitical Goals & Market Realities”, **Turkish Policy Quarterly**, Vol.14, No. 3, p.p. 67-79.
- Haggard, Stephen and Simmons, Beth A. (1987), “The Theories of International Regimes”, **International Organization**, Vol. 41, No. 3, p.p. 491-517.
- Huseynov, Yusif (2017), “Geopolitics of the Republic of Turkey’s Energy Policy”, **International Journal of Energy Economics and Policy**, Vol. 7, p.p. 337-344.
- Karagöl, Erdal Tanas and Kaya, Salihe, (2014), **Energy Supply Security and the Southern Gas Corridor**, Istanbul: SETA,
- -Keohane, Robert O. (1984), **after hegemony: cooperation and discord in the world political economy**, New Jersey: Princeton University Press.
- Keohane, Robert O. and Nye, Joseph S. (2001), **Power and Interdependence**, New York: Longman.
- Keohane, Robert O. and Victor, David G. (winter 2013), “The Transnational Politics of Energy”, **the Journal of the American Academy of Arts & Sciences**, Vol. 142, No. 1, p.p. 97-109.

- Roberts, M. John (2018), "Turkey and the Kurdistan Region of Iraq: Strained Energy Relations", **Turkish Policy Quarterly**, Vol. 17, No. 3, p.p. 99-109.
- Rzayeva, Gulmira (2018), "Gas Supply Changes in Turkey", **Energy Insight**, No. 24, p.p. 1-19.
- Suleymanov, Elchin; Aras, Osman Nuri and Hasanov, Fakhri (2016), "Economic and Strategic Expectations from Trans Anatolian Natural Gas Pipeline Project", **Academic Journal of Economic Studies**, Vol. 2, No. 4, p.p. 23-37.
- Yesevi, Cagla Gul and Tiftikcigil, Burcu Yavuz. (2015), "Turkey-Azerbaijan Energy Relations: A Political and Economic Analysis", **International Journal of Energy Economics and Policy**, Vol. 5, No. 1, p.p.27- 44.
- Whyte, Alexander (2012). "Neorealism and neoliberal institutionalism: born of the same approach?", **International Relations Students**, Retrieved June 11, 2020 from: <http://www.e-ir.info/2012/06/11/neorealism-and-neoliberal-institutionalism-born-of-the-same-approach>.
- Azerbaijan State News Agency, (September 14, 2017), "Azerbaijan and co-ventures sign amended and restated Azeri-Chirag-Deepwater Gunashli PSA", retrieved at August 21, 2020 from: https://azertag.az/en/xeber/Azerbaijan_and_co_venturers_sign_amended_and_restated_Azeri_Chirag_Deepwater_Gunashli_PSA-1093648.
- Direskeneli, Haluk, "Energy" chapter of the 62nd Turkish Government's new program. Available at: <http://www.turkishweekly.net/news/172186/-energy-chapter-of-the-62nd-turkish-government-39-s-new-program.html>
- Turkey's oil imports up 6.1 pct in July 2020 (September 25, 2020). Available at: <https://www.hurriyetdailynews.com/turkeys-oil-imports-up-6-1-pct-in-july-2020-158592>
- <http://www.iies.ac.ir/portal/home/?generaltext/306645/310417/352272>.
- https://www.researchgate.net/figure/The-Shares-of-the-Countries-in-the-Natural-Gas-Import-of-Turkey-2011_fig5_287432842
- [https://tr.pinterest.com/pin/469641067368741332/?amp_client_id=CLIENT_ID\(&mweb_unauth_id=%7B%7Bdefault.session%7D%7D&simplified=true](https://tr.pinterest.com/pin/469641067368741332/?amp_client_id=CLIENT_ID(&mweb_unauth_id=%7B%7Bdefault.session%7D%7D&simplified=true)
- <https://www.statista.com/statistics/703684/natural-gas-consumption-turkey/>
- <https://www.trade.gov/energy-resource-guide-turkey-oil-and-gas>
- Economic Relations between Turkey and Azerbaijan. Available at: <http://www.mfa.gov.tr/economic-relations-between-turkey-and-azerbaijan.en.mfa>
- https://www.researchgate.net/figure/The-Shares-of-the-Countries-in-the-Natural-Gas-Import-of-Turkey-2011_fig5_287432842
- <https://www.hellenicshippingnews.com/russian-exports-to-turkey-southeast-europe-squeezed-by-lng-azeri-gas/>
- <https://www.dailysabah.com/energy/2019/09/05/proposed-iraq-turkey-pipeline-to-expand-oil-trade>.

